

۲ راهبردی

سفر **گروه راهبردی – جابر مغففری زاده –** نخل، برای مردم بشهر، به‌ویژه در گستره دشتستان و تنگستان، هرگز فقط یک درخت یا یک محصول کشاورزی نبوده است. نخل، لنگر گاه

معیشت هزاران خانواده، میراث فرهنگی و طبیعی، اکوسیستم پویا و سپر حفاظتی این سرزمین در برابر اقلیم سخت و سوزان بوده‌است. اما امروز، این ستون فقرات معیشتی و فرهنگی و طبیعی در آستانه خردشدن است. آنچه شاهد آن هستیم، یک خشکسالی دورهای ساده نیست که با چندسندال ترسالی جبران نشود؛ ما در مرکز تلاقی مرگبار سه نیرو ایستاده‌ایم: دهه‌ها بهره‌برداری بیش از توان طبیعت، مدیریت‌های ناکارآمد و شوک سهمگین و دائمی تغییر اقلیم.

به گزارش «اقتصاد سرآمد»، جابر مغففری زاده، دبیر هیات اندیشه‌ورز آب، اقلیم، محیط‌زیست و کشاورزی بنیاد نخبگان استان بوشهر در مطلبی اختصاصی برای این روزنامه به بررسی تحلیلی چالش‌های پیش روی ساکنان استان بوشهر در زمینه پرورش نخل با توجه به بالا گرفتن بحران آب پرداخته‌است. این مطلب را در ادامه می‌خوانید:

صدای ترک خوردن خاک و خشک‌شدن برگ‌های نخل، دیگر یک «فرسایش خاموش» نیست؛ یک «اعلام خطر نهایی» است. ما در یک نقطه عطف تاریخی ایستاده‌ایم. انتخاب امروز ما، نه بین «سنت» و «مدرنیته»، بلکه بین «پذیرش واقعیت و سازگاری هوشمندانه با «ادامه انکار و نظاره کردن مرگ قطعی این میراث» است. این نوشتنه، مرثیه نیست؛ کالبدشکافی دقیق بحران و ارائه یک نقشه راه واقع‌بینانه برای بقااست. آینده نخل بوشهر، مستقیماً به تصمیم امروز ما گره خورده‌است.

بخش اول: کالبدشکافی فرسایش (عمق بحران چقدر است؟)

برای هر گونه درمان، ابتدا باید با واقعیت‌های آماری مواجه شویم. داده‌ها

تکناهمنداند:

۱. حساب آب استان در مرز ورشکستگی

هسته اصلی بحران، یک ریاکلیفیات ساده و وحشتناک است. استان بوشهر در مرز «ورشکستگی هیدرولوژیک» قرار دارد.

حساب بانکی خالی: توان اکولوژیک پایدار و مقدار آب قابل تجدید استان ما (آبی که سالانه به منابع ما اضافه می‌شود) تنها ۳۶ میلیون مترمکعب بوده، اما مصرف سالانه ما بیش از ۹۰۰ میلیون مترمکعب است. معنای این عدد: ۷۰٪ برابر ظرفیت طبیعی (توان اکولوژیک) سرزمین‌مان در حال برداشت از آبی هستیم که وجود ندارد. و ما تنها سود بانکی خود را مصرف کرده‌ایم، بلکه هر سال ۰.۷ برابر اصل سرمایه خود را نیز بدهکار می‌شویم.

۲. شریان‌های خشکیده (آب سطحی)

نخلستان‌های دشتستان و تنگستان به شریان‌های حیاتی سد ریسعی دل‌واری و رودخانه‌ها وابسته‌اند. اما این شریان‌ها در حال خشک‌شدن هستند:

رودخانه‌های بی‌جان: آورد رودخانه‌های استان نسبت به بلندمدت ۵۵ درصد کاهش یافته است. رودخانه شاپور، قلب تپنده دشتستان، در فصول گرم عملاً به بستری خشک تبدیل می‌شود. رودخانه باهوش در دشتستان و بسیاری از رودخانه‌های دیگر استان نیز همین وضعیت را دارند.

سدهای خالی: در پاییز ۱۴۰۳، ذخیره سد ریسعی دل‌واری (مانند متوسط سدهای استان) به حدود ۲۰ درصد رسید. ما اکنون در حال مصرف آخرین ذخایر استراتژیک و «آب مرده» هستیم.

۳. معدن کاوی آب‌های زیرزمینی (فاجعه در اعماق)

وقتی آب سطحی نیست و باران نیز کم است، فشار به سمت آب زیرزمینی، یعنی تنها شبکه ایمنی باقیمانده، منجر می‌شود. ارتش چاه‌ها: بیش از ۳۰۰۰۰ حلقه چاه در استان وجود دارد که از این میان، بیش از ۷۰۰۰ حلقه غیرمجاز هستند. این ارتش، سالانه بیش از ۴۰۰ میلیون مترمکعب آب می‌بلعد؛ یعنی به تنهایی بیش از کل توان اکولوژیک استان!

صدای برخورد مته به سنگ کف: در مناطقی چون اهرم و برازجان و بوشکان و تقریباً همه دشت‌های قابل بهره‌برداری استان، تراز آب تاده‌ها مثل سقوط کرده است و افت شدید کمی و کیفی آبخوان‌ها را شاهد هستیم. پدیده «کف‌شکنی» (عمیق‌تر کردن چاه) دیگر یک اقدام اضطراری نیست، یک رویه فصلی است. کشاورزان مجبورند برای رسیدن به آب، مته را از «سنگ کف» عبور داده و به «سازندهای سخت» نفوذ کنند.

این دیگر کشاورزی نیست؛ این «معدن‌کاوی» آب فسیلی و ذخایر استراتژیک میلیون‌ساله کشور است.

۴. آب شور (سمی که به خورد نخل می‌دهیم)

پیامد تخلیه آبخوان‌ها، تهاجم آب شور به دشت‌ها و شور ترشدن آب دشت‌ها، رودخانه‌ها و سدهاست. آمارها هولناک‌اند:

۴۵ درصد از کل منابع آب استان، شوری (EC) بیش از ۳۰۰۰ میکروموهس بر سانتی متر دارند (بالتر از آستانه تحمل بسیاری از گیاهان).

بیش از ۵۰ درصد منابع آب، شوری بیش از ۱۰ تا ۱۰ هزار دارند.

این دیگر «آب کشاورزی» نیست؛ این «آب نمک» است که به جای حیات‌بخشی، بافت خاک را تخریب و زمین را عقیم می‌کند.

۵. بارادوکس بهره‌وری: آب برای هیچ

فاجعه زمانی تکمیل می‌شود که می‌بینیم این تخریب عظیم، حتی به بهره‌وری اقتصادی هم منجر نشده است.

مصرف ویرانگر: هر هکتار نخلستان در دشتستان با روش سنتی و غرقایی، به‌طور متوسط سالانه ۲۲ میلیون لیتر معادل ۴ هزار تانکر ۶متر مکعبی آب مصرف می‌کند.

تولید ناچیز: در ازای این مصرف آب، تولید متوسط ما حدود ۴تن در هکتار است. در حالی که در مناطقی با مدیریت بهینه‌تر، به راحتی به بیش از ۱۲تن در هکتار می‌رسند.

شاخص تکانه‌دهنده: ما در بوشهر به اذعان رئیس سازمان جهادکشاورزی استان، برای تولید یک کیلوگرم خرما، بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ لیتر آب مصرف می‌کنیم. ما آب نداریم و آبی را هم که داریم، به ناکارآمدترین شکل هدر می‌دهیم.

۶. پارادوکس توسعه: «کاشتن نخل جدید

در سرزمین بی‌آب

و اما ویرانگرترین بخش ماجرا: در میانه این ورشکستگی آبی، شاهد تغییر کاربری اراضی و احداث نخلستان‌های جدید هستیم. در حالی که نخلستان‌های ریشه‌دار و قدیمی از تشنگی در حال خشک‌شدن هستند، ما افزودن تقاضای جدید، فروپاشی را تسریع می‌کنیم. این اقدام، نقض صریح «سند سازگاری با کم‌آبی استان» و ذهن‌کجی به ندادی فریادرسای



سیستم قطره‌ای (که به دلیل نبود پشتیبانی از کار افتاده) ضرر کرده، باید تمهیدات ویژه‌ای چسه در روش کار و چه در تضمین ممکن برای عدم‌هاشندگی نخلدار پس از همراهی در پروژه، اندیشید.

بخش چهارم: نقشه راه «تاب آوری هوشمند» (یک جراحی واقع‌بینانه)

ادامه مسیر فعلی، مرگ قطعی نخلستان‌ها طی یک دهه آینده است. راه نجات، بازگشت به گذشته نیست، بلکه یک «بازطراحی هوشمندانه» و «واقع‌بینانه» براساس محدودیت‌های موجود است. این نقشه راه بر سه‌ستون استوار است:

*ستون اول: تحول در آب (از «نصب لوله و سیستم آبیاری» به «خدمات پشتیبانی، آموزشی و مدیریتی»)

اولین و فوری‌ترین اقدام، توقف کامل آبیاری غرقابی است. این روش دیگر «سستی» نیست، بلکه در شرایط فعلی «انتحاری» است. باید فوراً به سمت آبیاری موضعی (مانند زیرسطحی) با هدف رساندن مصرف از ۲۴۰۰۰۰ به زیر ۹۰۰۰۰ مترمکعب حرکت کنیم، اما برای موفقیت، نگاه و مدل حکمرانی و مدیریتی باید تغییر کند:

تغییر مدل پارانه: دولت باید پارانه را از «خرید تجهیزات» به «قراردادهای بلندمدت نگهداری و پشتیبانی فنی» منتقل کند. به جای تحویل لوله به کشاورز، باید «آب مدیریت‌شده» پایدار» به او (ترجیحاً به شکل‌های مردمی) تحویل داده شود.

تضمین نگهداری: پروژه‌های جدید باید «پیوست نگهداری و پشتیبانی فنی» حداقل ششاله داشته باشند تا فاجعه پروژه‌های رهاشده تکرار نشود.

توانمندسازی محلی: باید «تعاونی‌های آب‌بران» محلی آموزش دیده و مجهز شوند تا خود مسئولیت نگهداری، تعمیر شبکه آبرسانی و لوله‌ها، نازل‌ها و فیلترها و مدیریت سیستم‌ها در منطقه خود باشند. این کار، «اشتغال‌زایی»، «پاسخگویی» و «اعتمادسازی» می‌کند.

ادامه مسیر فعلی، مرگ قطعی و برگشت‌ناپذیر نخلستان‌ها طی یک‌دهه آینده است، اما مسیر «تاب‌آوری هوشمند» نیز روشن است. این مسیر، یک جراحی سخت، هرز هینه اما ضروری است که بر «بازسازی اعتماد» و «تحول سه‌گانه» استوار است:

۱. تحول آبیاری (توقف غرقابی و حرکت به سمت پشتیبانی فنی).
۲. تحول گونه‌ها (اصلاح، نو سازی یا جایگزینی، تنوع‌بخشی اقتصادی اکولوژیک).

۳. تحول ارزش (توقف خام‌فروشی و حرکت به سمت بهینه‌سازی پس از برداشت خرما و نهایتاً فروآوری عمیق).

زمان انکار و مدیریت بحران‌های لحظه‌ای به پایان رسیده است. آینده نخلستان‌ها می‌انه در «آسمان» (در انتظار بارانی که الگوی آن تغییر کرده) و نه در «اعماق زمین» (در جست‌وجوی آبی که تمام شده) است. آینده مادر «مدیریت هوشمند» هر قطره آب ب «افزودن ارزش» به هر دانه خرما نهفته است. آینده نخل بوشهر، به تصمیم امروز ما گره خورده است.

***ستون دوم: تحول در گونه‌ها (نو سازی مقاوم، نه جایگزینی پرنی خطر)**
هدف ما «حفظ» نخلستان‌هاست، اما نخل‌های پیر، کم‌پایه و غیراقتصادی

»

«سر آمد» به بهانه برگزاری نمایشگاه خرما تحلیل می‌کند؛

«سرنوشت نخلستان‌های دشتستان و تنگستان» انتخاب تاب آوری هوشمند یا فرسایش خاموش

نجات میراث زیستی، اقتصادی و فرهنگی

در خط مقدم بحران آب و اقلیم

باید نو سازی شوند.

نه به «تله ارقام لوکس» و حساس: با توجه به شوری ۹۶درصدی آب‌ها، وارد کردن ارقام حساس و لوکیس (مانند مجول) که مقاومت کمتری دارند، یک ریسک بزرگ و احتمالاً شکست‌خورده است.

تمرکز بر مقاومت و فروآوری: استراتژی باید «نو سازی یا اصلاح نژادی» نخل‌های موجود و «جایگزینی» با ارقامی باشند که مقاومت بالاتری به شوری و خشکی داشته و در عین حال برای صنعت «فروآوری» مناسب‌تر باشند.

اول آب، بعد نهال: هیچ طرح نو سازی و اصلاح گونه‌ای موفق نخواهد شد، مگر اینکه ابتدا «مدیریت آب» (ستون اول) به درستی اجرا شده باشد.

*ستون سوم: تحول در اقتصاد (از «تاز» به «ارزش»)

این، واقع‌بینانه‌ترین و حیاتی‌ترین ستون برای بقای اقتصادی کشاورز است. در عصر بی‌آبی، احتمال کاهش «تاز» محصول وجود دارد. گره‌زدن معیشت کشاورز، تنها به «میزان برداشت»، یک اشتباه استراتژیک است. پایان خام‌فروشی: اقتصاد نخل‌داری بوشهر در تله «خام‌فروشی» و صادرات فله‌ای گرفتار شده‌است. شکاف ۳ تا برابری قیمت از نخلستان تا بازار نشان می‌دهد که سود اصلی در «تولید» نیست، بلکه در «پس از برداشت» است.

بهینه‌سازی پس از برداشت و نهایتاً فروآوری عمیق: راحل، تغییر وابستگی معیشت از «تاز» به «ارزش» است. ما باید بتوانیم از محصول کمتر، ارزش اقتصادی بیشتری خلق کنیم.

تبدیل کل محصول و حتی ضایعات خرما و نیز محصولات جانبی نخل به ثروت: این استراتژی، نخل و خرمای ضعیف و کم‌کیفیت ناشی از تنش آبی را از یک «محصول بی‌ارزش» به یک «ماده اولیه با ارزش» برای صنعت تبدیل می‌کند. از خرما و نخل می‌توان بیش از ۸۰نوع محصول جانبی (شیره، قند مایع، سرکه، الکل، خوراک دام غنی‌شده، کامپوزیت از برگ و هسته و...) تولید کرد.

فروآوری، یک استراتژی مدیریت آب است: کشاورزی که از هر کیلو خرما (یا فروآوری) کبرابر سود بیشتر می‌برد، دیگر نیازی به افزایش سطح زیرکشت و حفر چاه جدید و تقلا کردن برای جبران در آمد خود ندارد.

بخش پنجم: میناق مسئولیت (فراخوان برای اقدام همگانی)

این تحول سه‌گانه، یک پروژه صرفاً دولتی نیست. این یک «تعهد» پایدار و سه‌جانبه است: شکست یا موفقیت، در گرو اقدام هماهنگ

سه گروه زیر است:

۱. **مستولان و سیاست‌گذاران (دولت، مجلس، نهادهای استانی):** وظیفه اول: توقف «پارادوکس توسعه». اجرای قاطع و بدون اغماض «سند سازگاری با کم‌آبی». هر گونه مجوز کشت جدید یا تغییر کاربری به نخلستان باید «فورا» متوقف شود.

وظیفه دوم: اجرای عدالت آبی. این یعنی تحویل حجمی آب و توقف برداشت‌های غیرقانونی. این سسخت‌ترین اما حیاتی‌ترین اقدام است که ضمن ایجاد عدالت آبی، باعث رسیدن حقایقه تالاب، احیای منابع آب سطحی و زیرزمینی و حفظ اکوسیستم به صورت پایدار می‌شود.

وظیفه سوم: سرمایه‌گذاری هوشمند (نه رهاشده). اعتبار باید نه برای

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی

شهرستان ازنا–سری (۱۷۳) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی ازنا مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هر کس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض از مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .تاریخ انتشار نوبت

۱ – تقاضای «علی اصغر دهقان» فرزند «اکبر» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین» بمساحت «۱۹۸۸۶٫۰۵» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۷۸» فرعی از «۴۱» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کبر وحسن دهقان»

۲ – تقاضای «علی اصغر دهقان» فرزند «اکبر» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین» بمساحت «۲۶۳۵۱٫۴۱» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۷۸» فرعی از «۴۱» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کبر وحسن دهقان»

۳ – تقاضای «علی اصغر دهقان» فرزند «اکبر» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین» بمساحت «۵۰۸۳٫۹۳» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۷۹» فرعی از «۴۱» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اکبر وحسن دهقان»

۴ – تقاضای «بهزاد حسینی سربیشه» فرزند «صادق» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۵۹۶۹٫۱۱» مترمربع تحت پلاک شماره «۲۱۱» فرعی از «۴۹» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صادق حسینی»

۵ – تقاضای «بهزاد حسینی سربیشه» فرزند «صادق» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۴۶۲۶٫۵۲» مترمربع تحت پلاک شماره «۲۱۲» فرعی از «۴۹» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صادق حسینی»

۶ – تقاضای «جمشید قائد رحمتی» فرزند «هرمز» نسبت به «ششدانگ یکباب عمارت مسکونی» بمساحت «۱۸۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۰۴۲» فرعی از «۳۱» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اسماعیل یوسفی»

۷ – تقاضای «علیرضا پایمرد» فرزند «صفدر» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۲۹۳۸٫۰۸» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۱۶» فرعی از «۲۵» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «دادود ساکی احد»

۸ – تقاضای «احمد کشاورز» فرزند «علی اکبر» نسبت به «سه دانگ زمین مزوعی» و «سهیلا پایی» فرزند «پایی» نسبت به سه دانگ زمین مزوعی «و» و «فرزند» نسبت به «و» بمساحت «۳۲۰۵۴٫۱۲» مترمربع تحت پلاک شماره «۸۲۵» فرعی از «۶۷» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی محمد رضایی»

۹ – تقاضای «محمد حسین خلیلی» فرزند «محمد» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۹۶۱۷٫۰۲» مترمربع تحت پلاک شماره «۵۰» فرعی از «۷۳» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد حسین خلیلی»

۱۰ – تقاضای «محمد حسین خلیلی» فرزند «محمد» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۸۵۳۹٫۱۶» مترمربع تحت پلاک شماره «۴۶» فرعی از «۷۳» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد حسین خلیلی»

شناسه آگهی: ۲۰۳۶۱۷۹

تاریخ نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ تاریخ نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲

سیدرضا بطحائی –رییس اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان ازنا